

سیر فلسفی - تاریخی معادله‌های واژه «هوله» ارسطویی

حجت‌الله عسکری زاده^۱، سید ابراهیم موسوی^۲، مالک حسینی^۳

چکیده

در این مقاله معادله‌های واژه هوله (ὅλη) ارسطویی بلحاظ ریشه‌شناسی و مفهومی در ترجمه‌های لاتین، عربی و فارسی مورد بحث و بررسی قرار گرفته و ارتباط این مفهوم با مفهوم «مادر» و جنس مادینه در زبان فارسی قدیم نشان داده شده است. بنظر می‌رسد مترجمان نخستین حکمت یونان، بدلیل ارتباطات مفهومی هوله با مفهوم مادر در نوشته‌های افلاطون و ارسطو، واژه‌ی را معادل هوله قرار داده‌اند که مشتق از معنای مادر و جنس مؤنث میباشد. این موضوع از این جهت اهمیت خاص دارد که مفهوم «ماده» فلسفی که از اندیشه ارسطو نشئت گرفته و امروزه رایج است و همچنین در علوم تجربی نقش مهمی دارد، بلحاظ سیر تاریخی و فلسفی ریشه در مفهوم مادر و جنس مؤنث دارد و همین موجب شده که مترجمان نخستین آثار یونانی که در جستجوی معادلی برای هوله یونانی بوده‌اند، ویژگی ارتباط هوله با جنس مؤنث و مادر را لحاظ کرده و از آن اصطلاحی ساخته‌اند که بتواند معنای هوله یونانی را منتقل سازد. این سخن به این

۱۷

تاریخ پذیرش: ۹۸/۹/۱۰

تاریخ دریافت: ۹۸/۷/۱۰

۱. دانشجوی دکتری فلسفه، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران؛ hojjataskari2015@gmail.com

۲. استادیار گروه فلسفه دانشگاه مفید(نویسنده مسئول)؛ ebrahimmusaviseyed@gmail.com

۳. استادیار گروه فلسفه، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران؛ malek.hosseini@yahoo.com



معنا نیست که هوله نشان‌دهندهٔ اینست که در فلسفهٔ ارسطو، همانند برخی باورهای اسطوره‌یی، جهان حاصل آمیزش نر و ماده است بلکه از این جهت معنا می‌یابد که در میان یونانیان قدیم، از جمله ارسطو و افلاطون، جنس مؤنث در تولد انسان و حیوان بعنوان پذیرندهٔ صورت معرفی شده است.

کلیدواژگان: هوله (ὕλη)، ماده، هیولی، مادر، مادینه، ماتا، ماتر، ماتک، مادک، ارسطو.

* * *

۱. مقدمه؛ «هوله» قبل از ارسطو

اصطلاح «ماده» در معنای علمی و فلسفی آن که در واقع اجزاء تشکیل‌دهندهٔ اجسام و اشیاء میباشد و یک اصل است که اشیاء از آن ترکیب شده‌اند و در مقابل آن فرم یا ایده یا حتی عقل قرار دارد، از نوشته‌های ارسطو سرچشمه میگیرد. بنابراین، اگر ما برخی فیلسوفان قبل ارسطو مانند آناکسیمنس را به ماده‌گرایی منسوب میکنیم، باید توجه داشته باشیم که آنها اصطلاح هوله (ماده) را بکار نبرده‌اند و این ما هستیم که از نوشته‌های آنان این تفسیر را داشته‌ایم که ایشان مادیگرا بوده‌اند. گاتری در تاریخ فلسفه خود بیان میکند که «واژهٔ ماده را ملطیان و فیلسوفان قدیم نداشتند بلکه آنها فوزیس (طبیعت) را بکار میبردند» (گاتری، ۱۳۷۵: ۲ / ۳۱). او همچنین در جاهای متعددی بیان میکند که تمایز ماده از صورت تا قبل از ارسطو بروشنی انجام نشده است (همان: ۳ / ۱۶۳)؛ حتی افلاطون نیز این اصطلاح را در معنای فلسفی آن بکار نبرده است. ژان گروندین استاد و پژوهشگر معاصر فلسفه در کتاب خود با عنوان **۱۸ مقدمه‌یی بر متافیزیک، به این موضوع اشاره کرده و میگوید:**

اختراع اصطلاح matter یک دستاورد استثنایی است. قبل از ارسطو اصطلاح ὕλη^(۱) (هوله) تنها بمعنای تخته و چوب بوده و همهٔ اصطلاحات یونانی که از ὕλη مشتق میشوند، با مفهوم جنگل مرتبط هستند. افلاطون در تیمائوس این واژه را بمعنای چوب بعنوان مثال

